

ماهی‌های داخل دستکش

در پنجرهٔ مرورگر، جملهٔ «زباله‌های پلاستیکی اقیانوس» را تایپ می‌کنم. با سرعت، یک عالمه عکس از جانوران دریا در مقابل دیدگانم باز می‌شود. یکی یکی عکس‌ها را بزرگ می‌کنم. با دقت می‌بینم. وای خدای من! چه می‌بینم؟! برایم باور کردنی نیست: انواع جانوران دریایی در دام ظرف‌های پلاستیکی گرفتار شده‌اند! با دیدن عکس‌ها اشک در چشمانم حلقه می‌زند. دلم برای ماهی‌های بی‌گناه می‌سوزد. فشار زیادی در قلبم احساس می‌کنم.

خرچنگی داخل کیسهٔ پلاستیکی گرفتار شده است. نایلونی دور گردن شیر دریایی پیچیده و زخم عمیقی ایجاد کرده است. چند ماهی ریز رنگارنگ داخل انگشت‌های دستکش پلاستیکی گیر کرده و بی‌حرکت مانده‌اند.

حالم بد شده است. از ورق‌زدن عکس‌ها دست می‌کشم. تحمل دیدن عکس‌های بیشتر را ندارم. خدای من! یعنی ظرف‌های یک بار مصرف و وسایل پلاستیکی تا این حد می‌توانند برای طبیعت و محیط زیست خطر آفرین باشند؟! آرزو می‌کنم ای کاش هیچ وقت انسان نمی‌توانست پلاستیک بسازد. چه آرزوی محالی! با خود فکر می‌کنم: در این شرایط، حالا وظیفهٔ ما در برابر طبیعت چیست؟ تصمیم می‌گیرم تا جایی که امکان دارد از پلاستیک استفاده نکنم. اگر جایی هم لازم شد استفاده کنم، زباله‌های پلاستیکی را داخل رودخانه، جویبار، دریا و در طبیعت رها نکنم و به مراکز بازیافت تحویل بدهم.

علی اصغر جعفریان